

**يَوْمَ غَدِيرِ حُمْ أَفْضَلُ أَغْيَادِ أُمَّتِي وَ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى دَكَّرَهُ فِيهِ بِنَصْبِ أَحْيَى عَلَيْنَ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَماً لِأُمَّتِي يَهْتَدُونَ بِه مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَأَتَمَّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ الْبَغْمَةَ وَ رَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ.**
روز غدیر خم برترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خداوند بزرگ دستور داد، آن روز برادرم علی بن ابی‌طالب را به‌عنوان پرچمدار (و فرمانده) اتمم منصوب کنم ، تا بعد از من مردم توسط او هدیت شوند و آن روزی است که خداوند در آن روز دین را تکمیل و نعمت را بر امت من تمام کرد و اسلام را به‌عنوان دین برای آنان پسندید.

امالی صدوق ؛ ج ۱۲۵ ؛ ج ۸

# ارزیابی ادله عدم جزئیت ذیل دعای عرفه

استاد حسین عشاقی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

بخش پایانی دعای عرفه سرشار از مضامین معنوی و آموزه‌های توحید عرفانی است؛ مضامینی که هم به‌لحاظ کیفیت محتوا و هم به‌لحاظ کمیت و انبوهی آنها در بین ادعیه مأثوره کم‌نظیر یا بی‌نظیر است؛ از این‌رو می‌توان این بخش را از موراث گران‌بهای اهل‌بیت علیهم‌السلام برای امت اسلامی و از افتخارات گنجینه معارف شیعه محسوب کرد؛ اما با این حال، هم عده‌ای از متقدمین و هم افرادی از علمای معاصر، این بخش از دعا را از مجموعه دعای عرفه محسوب نکرده و ادعا می‌کنند که این بخش، از تصرفات و افزوده‌های متصوفه در دعای حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام است؛ عمده سخنان منکران، مستند به اظهارات علامه مجلسی رحمته‌الله در کتاب شریف بحارالأنوار است. از بیانات ایشان برای انکار جزئیت این بخش، دو دلیل استخراج می‌شود که در ادامه به ارزیابی آنها می‌پردازیم.

دلیل اولی که از بیانات ایشان استخراج می‌شود، این است که این بخش، از افزوده‌های متصوفه است؛ زیرا این عبارات در برخی نسخ قدیمی کتاب اقبال سیدبن طاووس رحمته‌الله نیست (لم یوجد هذه الورقة فی بعض النسخ العتیقة من الإقبال) و در تأیید این مدعا، ایشان اضافه می‌کند که این بخش در کتاب مصباح‌الزائر (که کتاب دیگری از سیدبن طاووس است) و نیز در کتاب بلدالامین کفعمی وجود ندارد.

دلیل دومی که از بیانات مرحوم مجلسی رحمته‌الله استخراج می‌شود، این است که این بخش، از افزوده‌های متصوفه است؛ چون عبارات این بخش با سیاق ادعیه معصومین علیهم‌السلام سازگاری ندارد و فقط با مذاق صوفیان هماهنگ است: (عبارات هذه الورقة، لا تلائم سیاق أدعية السادة المعصومین وإئما هی علی وفق مذاق الصوفیة) (بحار، ج ۹۵، ص ۲۲۷).

دقت در بیانات مرحوم مجلسی روشن می‌کند که هر دو دلیل، به وجوهی مردود و ناپذیرفتنی است؛ در ادامه ما هر دو دلیل را ارزیابی کرده و ناتمامی آنها را روشن می‌سازیم.

ارزیابی دلیل اول: در مورد اینکه این بخش از دعا در برخی نسخ قدیمی کتاب اقبال نیست؛ باید عرض کنم که همین عبارت مرحوم مجلسی که می‌گوید: (لم یوجد هذه الورقة فی بعض النسخ العتیقة من الإقبال) دلالت دارد که اکثر نسخ قدیمه اقبال، واجد این بخش اخیر بوده است؛ زیرا مرحوم مجلسی مایل به جزء نبودن آن در دعای عرفه بوده است و اگر نسخ قدیمه زمان مجلسی که ایشان دیده، اکثراً فاقد این جزء می‌بود یا لاقال تعداد قابل توجهی از نسخ قدیمه فاقد این جزء می‌بود، ایشان به فقدان اکثر نسخه‌ها یا به تعداد قابل توجه نسخه‌های فاقد، برای اثبات دیدگاه خود استناد و استدلال می‌کرد؛ اما ایشان چنین نکرده است و فقط ادعا کرده که برخی نسخ قدیمه، فاقد جزء اخیر است؛ بنابراین تعبیر «بعض النسخ العتیقه» در عبارت مرحوم مجلسی، به‌طور ضمنی شهادت است که به اینکه اکثر نسخ قدیمه زمان مجلسی واجد این بخش بوده است و وقتی اکثر نسخ قدیمه زمان مجلسی، واجد جزء اخیر بوده، ادعای جزء نبودن خلاف تحقیق است.

اما ادعای ایشان مبنی بر اینکه این بخش در کتاب دیگر سیدبن طاووس یعنی کتاب «مصباح‌الزائر و زادالمسافر» نیست، گرچه درست است؛ اما باید توجه داشت که شیوه سیدبن طاووس رحمته‌الله در کتاب «مصباح‌الزائر و زادالمسافر» به‌اختصار بوده است؛ او در این کتاب می‌خواسته، زائران مسافر، کتاب مختصری را هنگام سفر برای ادعیه و زیارات، داشته باشند؛ لذا نبودن این بخش در کتابی که بنا بر اختصار بوده، دلیل بر نبودن آن، در اصل دعا نیست.

همچنین نبودن این جزء در کتاب بلدالامین کفعمی که تقریباً دو قرن و نیم از سیدبن طاووس متأخر است، با توجه به اینکه قبلاً روشن کردیم که کلام مجلسی شهادت ضمنی است بر اینکه اکثر نسخ قدیمه دارای این بخش بوده، ضرری نمی‌رساند؛ زیرا ترجیح، با نسخ قدیمه است که کلام مجلسی

اینکه این قدر صدای غدیر بلند شده است و این قدر برای ارج قائل شده‌اند - و ارج هم دارد - برای این است که با اقامه ولایت یعنی با رسیدن حکومت به دست صاحب حق، همه این مسائل حل می‌شود، همه انحرافات از بین می‌رود. اگر حکومت عدل بپا شود، اگر گذاشته بودند که حضرت امیر علیه‌السلام حکومتی را که می‌خواهد، به‌پا کند، تمام انحرافات از بین می‌رفت و محیط، یک محیط صحیح و سالم می‌شد آن‌وقت مجال برای همه اشخاص که دارای افکار هستند، عرفا، حکما، فقها، پیدا می‌شد. از این جهت... ولایت اصلش مسئله حکومت است.

صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۱۶

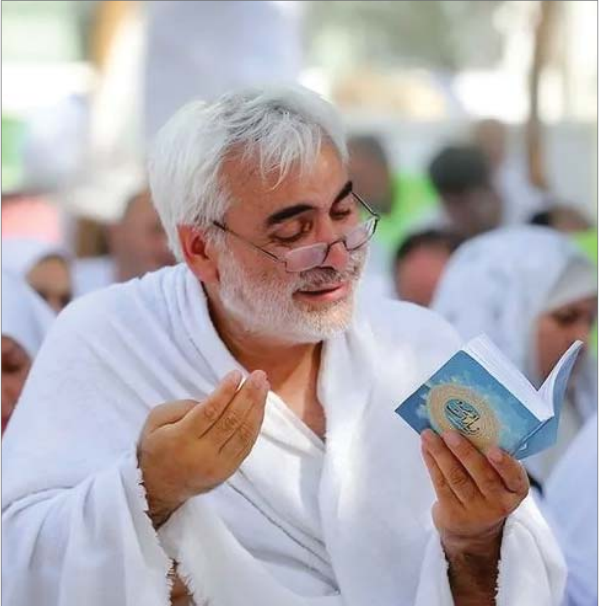


«لَا تَكْذِبُوا بِخَلْقِهِ أَتَاكُمْ مُرْجِيٌّ وَلَا قَدَرٌ وَلَا خَارِجٌ نَسَبَهُ إِلَيْنَا فَأَنْتُمْ لَا تَذَرُونَ لَعَلَّهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فَتَكْذِبُوا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ»؛ یعنی حدیثی را که کسی از فرقه‌های مرجئه یا قدریه یا خوارج به ما نسبت می‌دهد، تکذیب نکنید؛ زیرا شما (واقع امر) را نمی‌دانید. شاید مطلب حقی باشد. در این صورت شما با تکذیب‌تان خدا را در بالای عرشش تکذیب کرده‌اید. (بحار، ج ۲، ص ۱۸۷).

په: سفیان‌بن سبط می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: مردی از ناحیه شما می‌آید و از جانب شما خبری عظیم را نقل می‌کند که موجب تنگی سینه می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ما او را تکذیب می‌کنیم؛ امام فرمود: آیا نه این است که او خبری از من گزارش می‌کند؟ گفتم: بلی؛ امام فرمود: آیا این خبر (در بعید بودن) مثل این است که شب، روز و روز، شب گردد؟ گفتم: نه؛ امام فرمود: پس امر حدیث را به ما واگذار و آن را رد نکن؛ زیرا اگر آن را رد و تکذیب کنی، در حقیقت ما را تکذیب کرده‌ای. (بحار، ج ۲، ص ۱۸۷).

با توجه به این‌گونه احادیث که تعدادش نیز فراوان و برخی آنها صحیح است، اشکالی که به ایشان وارد است، این است که چرا در مورد جزء اخیر دعای عرفه، طبق این احادیث عمل نکرده و در مورد این بخش توقف نکرده؛ بلکه به‌جای توقف، آن را انکار کرده و به متصوفه نسبت می‌دهد؛ به نظر می‌رسد، این انکار، شایسته مقام علمی علامه مجلسی رحمته‌الله نیست؛ غفرالله لنا وله.

در سال‌های اخیر منکران جزئیت در تأیید دیدگاه علامه مجلسی رحمته‌الله، با استناد به اینکه این بخش از دعا در کتاب «الحکم العطائیه» ابن‌عطاء اسکندری تحت عنوان «مناجات» بعینه موجود است گفته‌اند: اصل این بخش از دعا از ابداعات او بوده و بعد به کتاب اقبال سیدبن طاووس و برخی



راهی به سوی عدل و سعادت گشوده است

اینگ غدیر خم درگیر و دار گرمی این مشهد عظیم در اوج این شکوه در اوج این شکوه از سوی آفریدگار جهان آفرین، «خدا» از آسمان به گوش پیمبر ندا رسید: یا ایها الرسول... یا ایها الرسول... اسلام را چه خوب بیان کرده‌ای با خلق اما هنوز، رهبر اقت پس از رسول تعیین نگشته است. ارکان استوار رسالت تمام نیست رکن بزرگ مذهب «اقت»، «امامت» است. اینک پیامبر در بازگشت از سفر خانه خدا در واپسین دقایق آن «حجّة الوداع» مأثور گشته تا برساند به گوش خلق

در پهنه وسیع غدیر ایستاده‌اند یک کاروان رسته ز بند نفاق و کین یک کاروان خسته، در اینجا ستاده است. خورشید هم شراره سوزان خویش را ریزد به روی سینه نقتیده زمین دشتی پر از حرارت ایمان، فروغ دین دشتی پر از محبت و احساس و دوستی، گسترده‌غدیر...

اینگ دوباره شاهد انبوه مسلمین همراه رهبری که فروز تر ز بیست سال جان در ره هدایت آنها نهاده است در پاسخ خشونت‌شان همچو مادی آغوش پر محبت خود را گشاده است چهل و غرور و ابلهی قوم خویش را جز با صفا و مهر، جوابی نداده است آنجا که راه‌ها همه سوی ستمگری است



### در آستان اهل‌بیت علیهم‌السلام: خاطره غدیر

• استاد جواد محدثی

اینگ پیامبر در بازگشت از سفر خانه خداست پیغمبر از رسالت خود، شاد و سربلند مسرور از رسالت انجام گشته‌اش با خویش‌شن که؟ وعده دیدار کی؟ کجاست؟ دریای بی‌کرانه قلبش زموچ شوق همواره در تلاطم و همواره در تیش عشق خدا فککنده به جانش شراره

- سال بیست و دوم
- شماره ۸۰۳
- سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۳
- ۸ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضاستمی</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>تلفن: ۰۵۳۸-۳۲۹۰ • نمابر: ۰۲۹۳-۳۲۹۰</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>صندوق پستی: ۴۳۸۱/۳۷۱۸۵</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم (۰۲۱) ۶۵۵۸۶۸۰</div></div>

#### عطریار

#### حرم غریب و تو مظلوم

غلامرضا سارگار

بیا که دیده حرام است بی‌تو دیدارش
بیا که دل شده خون در فراق دلدارش
بیا که دین چو علی علیه‌السلام مانده استخوان به گلوی
بیا که رفته حقیقت به دیدگان، خارش
علی علیه‌السلام که زادگهش بوده دامن کعبه
هنوز می‌رسد از این جماعت، آزارش
به غریب حرم و خانهٔ خدا بنگر
که نام قاتل زهراست؛ نقش دیوارش
حرم غریب و تو مظلوم، شیعه‌ات تنها
سرشک توست که ریزد ز چشم خون‌بارش
هنوز کعبه سیه‌پوش مادرت زهراست
هنوز اشگ حرم می‌چکد به رخسارش
بیا و داد علی را از آن خطیب بگیر
که بغض آل‌علی می‌دمد ز گفتارش
حرم گریست در آن شب که جدّ مظلومت
ز مگه رفت برون با تمام انصارش
بیا که بیت به دور سرت طواف آرد
بیا که کعبه شود با تو، تازه دیدارش

زمهر آل‌علی دل نمی‌برد «میثم»
اگر بُرند زبان و کیشند بر دارش

کنت دیگر ملحق شده است.

این بیانات نیز باطل و ناتمام است؛ زیرا علاوه بر اینکه ابن‌عطاء به‌لحاظ زمانی تقریباً نیم‌قرن از سیدبن طاووس متأخر است و الحاق آثار مؤلفان متأخر به آثار مؤلفان متقدم بعید است. این نکته را باید توجه داشت که اولاً مکتوباتی که ابن‌عطاء در بخش حکم کتابش آورده است، نشان می‌دهد که او به‌لحاظ علمی در سطح یک نصیحت‌گر اخلاقی است؛ نه در سطح یک فیلسوف و عارف عالی‌مقام؛ حال آنکه این بخش از دعای عرفه سرشار از مضامین عالی عرفانی و فلسفی است و چنین مضامینی ممکن نیست، از ابداعات چنین شخصی با چنین سطحی از معلومات باشد؛ مثلاً از مضامین عالی فلسفی این بخش این جمله است که می‌فرماید: «كَيْفَ يَسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وجودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ» که به برهان‌های صدیقین اشاره دارد؛ برهان‌هایی که سخن گفتن در مورد آنها، فقط از فیلسوفان بزرگ انتظار می‌رود.

ثانیاً دعاها و مناجات‌هایی که به‌واسطه غیرمعصومین ابداع شده یا می‌شوند، معمولاً حداکثر در حد چند خط است و به‌ندرت دعایی با مناجاتی در حد یک صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای می‌توان نشان داد؛ آن‌هم با مضامین تکراری؛ ولی این بخش از دعای عرفه خود، تقریباً سه صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای است، بدون هیچ مطلب تکراری؛ بلکه هر جمله آن مطلبی بدیع و غیرتکراری است؛ بنابراین نمی‌توان این بخش را از ابداعات ابن‌عطاء یا هر غیرمعصومی دانست؛ از این‌رو آنچه معقول است، این است که او چنین دعایی را در جایی مشاهده کرده و اجمالاً آن را با حال و هوای سلوک عرفانی مناسب دیده و لذا آن را به آخر کتابش افزوده است؛ چنانکه در بخش حکم کتابش نیز، مسئله به‌همین صورت بوده است. او جملات برجسته‌ای را در راستای تهذیب و سلوک عرفانی جمع‌آوری کرده، برخی را خود ابداع کرده و برخی را از دیگران گرفته و با تصرفاتی، آنها را در کتابش آورده است؛ مثلاً در حکمت ۳۷ جمله معروف «کان الله ولا شیء معه وهو الآن علی ما علیه کان» را آورده که روشن است، این حکمت از خود او نیست؛ بلکه در روایات ائمه علیهم‌السلام شیعه آمده و نیز در حکمت ۶۴ جمله «من لم یشکر النعم فقد تعرض لزوالها» را آورده که منسوب به امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و در کتاب عیون‌الحکم والمواعظ لیثی، با کمی تفاوت بدین صورت آمده است که «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النِّعَمَ غَوِبَتْ بَرَائِلُهَا»؛ بنابراین درست این است که گفته شود، همان‌گونه که ابن‌عطاء جملاتی را از منابع شیعه یا غیر آن گرفته و بدون ذکر منبع، در بخش حکم آورده است؛ بخشی از دعای عرفه را نیز از منابع روایی شیعه گرفته و بدون ذکر منبع، در بخش مناجات آورده است.

والاثرین، عمیق‌ترین نکته را، ز دین فرمان رسید تا که به مردم فرد مسلمین
هرگز چنین نشان فضیلت ندیده است
هرگز امام عدل بدین‌سان ندیده است
دستان باغبان فلک، از درخت علم
هرگز کلی به جلوه این گل نچیده است
دامان قرن‌های فراوان و بی‌شمار
هرگز ذری به جلوه این ذر، نستهفته است
اینگ غدیر، خاطره آن شکوه را
اینگ غدیر، یاد چنان روز نیک را
در یادها و خاطره‌ها زنده می‌کند
اینگ غدیر، زندگی آن «امام» را
مانند درس‌های گران‌قدر و پربثمر
تکرار می‌کند
اینگ غدیر خم،
با ما چو اوستاد
در راه و رسم و شیوه آموزشی صحیح رفتار می‌کند....